



چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه نیافتگی روستاهای پیراشهری

مورد: شیراز

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰

صفحات: ۸۴-۶۵

وحید ریاحی؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
مهدی معصومی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، ارزیابی چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن‌ها در توسعه نیافتگی روستاهای پیراشهری شیراز است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل روستاهای پیرامون شهر شیراز تا شعاع ۶ کیلومتر است، بر این اساس در این پژوهش تعداد ۱۲ روستا که در معرض بیشترین چالش‌های مدیریتی از همجواری با شهر شیراز می‌باشند با ۱۲۲۴۶ خانوار مورد بررسی قرار گرفته است، که با استفاده از فرمول کوکران سطح خطای ۰/۰۸، تعداد ۱۵۰ خانوار به عنوان نمونه تعیین گردید. برای تحقق اهداف مورد نظر، ضمن مطالعات اسنادی، طیف گسترده‌ای از شاخص‌ها تعیین و در چارچوب مطالعات میدانی (پرسش-نامه و مشاهدات میدانی) مورد بررسی قرار گرفت. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزارهای SPSS، GRA، FAHP و روش‌های آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه (One-way Anova) و کندال در استفاده گردیده است. یافته‌های پژوهش مؤید این است که، چالش اجتماعی-فرهنگی مهم‌ترین چالش پیش‌روی مدیریت روستایی در روستاهای پیراشهر شیراز بوده است. بر اساس تحلیل آماری، در روستاهای مورد مطالعه اختلاف معناداری بین چالش‌های مدیریت روستایی در ابعاد مختلف وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد، با افزایش فاصله از شهر، میزان چالش‌های مدیریت روستایی تأثیر کمتری بر توسعه نیافتگی روستاهای پیرامون شهر داشته است، در واقع روستاهایی که به شهر نزدیکتر بوده‌اند بیشتر تحت تأثیر قوانین و مقررات شهر قرار داشته‌اند. در نهایت با استفاده از تکنیک GRA، مشخص گردید که، چالش‌های مدیریت روستایی در روستاهای کرونی، خاتونی، ماه فیروزان و سلطان‌آباد دارای بیشترین تأثیر است.

واژه‌های کلیدی:

چالش، مدیریت روستایی، توسعه، روستاهای پیراشهری، شیراز.



مدیریت یک عامل مهم در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را کنترل می‌کند. با توجه به نقشی که نواحی روستایی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشورها و بویژه در تولید محصولات کشاورزی و غذایی ایفا می‌کنند از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در توسعه ملی و سرزمینی برخوردارند و بدون سازماندهی و توسعه این مناطق، برنامه‌های توسعه با ناکامی مواجه خواهد شد (مهدوی و نجفی کانی، ۱۳۸۵: ۲۱). در این راستا از زمانی که به توسعه روستایی توجه شد، در کنار آن مدیریت روستایی نیز مورد نظر برنامه‌ریزان و صاحب نظران قرار گرفت. موضوع مدیریت روستایی در ایران طی چند دهه گذشته و شاید در یک صد سال اخیر در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین چالش‌های پیش‌روی برنامه‌ریزان و کارشناسان بوده است. به گفته لمپتون اساس حیات اجتماعی ایران بر روستاها استوار است (Impton, 1993: 12). روستاهای ایران از زمان‌های گذشته تا به امروز با مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو بوده‌اند که از جمله آن می‌توان به عدم توجه مدیریت پایدار در روستاها اشاره کرد که خود زمینه‌ساز ایجاد مسایل و چالش‌هایی نظیر: مهاجرت روستاییان به شهر، عدم مشارکت مردمی در فعالیت‌ها، برنامه‌ریزی‌های دستوری، بیکاری جوانان و غیره بوده است (موسوی و بدری، ۱۳۹۱: ۷۹). در این راستا وجود مدیریت محلی (دهیار) برای برقراری امور و سازماندهی برنامه یا چارچوب مشخص که به بررسی و شناسایی مشکلات روستا و اتخاذ بهترین راه حل ممکن برای رفع آنها می‌پردازد ضروری به نظر می‌رسد.

در حال حاضر روستاهای حریم شهرها به دلیل نزدیکی مکانی و وابستگی فضایی - کالبدی با شهر از امکانات، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی برخوردار هستند که در دیگر روستاها به چنین شدتی وجود ندارد. استقرار در پیرامون شهر و بهره‌مندی از شبکه ارتباطی مناسب، استفاده از زیرساخت‌ها و خدمات شهری به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی را برای این دسته از روستاها امکان‌پذیر می‌سازد. فرصت‌های شغلی بیشتر در بخش خدمات، زمینه تامین درآمد و کار را برای ساکنین روستاهای واقع در حریم شهرها، فراهم آورده است؛ به گونه‌ای که گروهی از این روستاها، کارکرد خوابگاهی یافته‌اند. در بعد کالبدی در روستاهای حریم شهری به عنوان مهم‌ترین اطراف گاه مهاجرین و همچنین متاثر از گسترش فیزیکی شهر، زمین‌های زراعی روستا، ارزش تجاری یافته و بازار خرید و فروش زمین‌های زراعی و تبدیل آن‌ها به زمین‌های مسکونی، خدماتی و کارگاهی رونق می‌گیرد. در این میان، افزون بر این که کالبد روستا دستخوش تغییر کارکرد و ماهیت می‌شود، به تدریج طبقه‌ای از صاحبان درآمدهای هنگفت شکل می‌گیرد که خود، عامل تشدید و رونق بازار زمین در روستا می‌گردد (Veenuhizev, 2002: 10).

در واقع گسترش بی‌رویه شهرها یک مشکل جهانی است و پیش‌بینی می‌گردد که تا سال ۲۰۲۵ افزون بر ۶۵ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی کنند (Kaya, 2006: 19). در حال حاضر روند افزایش جمعیت و وسعت شهرها در کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای توسعه یافته است (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۵). در ایران، مطالعه نتایج سرشماری‌ها در طی شصت سال گذشته نشان می‌دهد که سهم جمعیت شهرنشین از ۳۱/۵ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ تغییر یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در عین حال، گسترش سریع شهرها اثرات زیانباری در محیط بر جای می‌گذارد. گسترش فیزیکی شهر، جذب جمعیت مهاجر به روستاهای حاشیه شهر و توسعه فیزیکی روستاهای مذکور به سوی شهر، به مرور زمینه ادغام روستاها را در شهر

فراهم می‌سازد. به این ترتیب، از جمله پیامدهای عمده شهرنشینی شتابان، گسترش فضایی شهرها و ادغام روستاها و اراضی پیرامونی است (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۳). به عبارتی می‌توان گفت که امروزه شهرها بر نواحی روستایی پیرامون خود تاثیرات ژرفی می‌گذارند که در ابعاد گوناگون محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی نمود می‌یابد (قربانی و رحمانی، ۱۳۹۴: ۱).

با گسترش کلانشهرها و پیدایش مناطق کلانشهری در کشورهای توسعه‌یافته و بویژه کمتر توسعه‌یافته، نواحی پیراشهری در معرض بیشترین میزان تحولات و دگرگونی قرار داشته‌اند. بر همین اساس با گسترش پیراشهری در هاله‌ی کلانشهرهایی چون تهران، شیراز و غیره؛ باید انتظار پیامدهای منفی ناشی از گسترش بی‌برنامه‌ی آن‌ها را داشت. به بیان دیگر پیشروی کلان‌شهرها در محیط پیراشهری آن‌ها تحت شرایط سوداگری کنترل نشده زمین (خرید و فروش زمین و واسطه‌گری) و فقدان الگو و سازو کارهای هدایت نظام‌مند آن؛ نه تنها موجب انحطاط زیست‌محیطی می‌شود بلکه در غیاب پیش‌نگری و دوراندیشی‌های لازم، گریبان‌گیر تمام ابعاد و مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی توسعه کل کلان‌شهر و منطقه کلان‌شهری خواهد شد (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶۲).

بر این مبنای و با توجه به چالش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی گسترش و توسعه کلانشهرهای ایران، می‌توان چنین بیان کرد که برای ارتقای کیفیت در شهرهایی همچون شیراز، ضروری است که به مدیریت مناطق پیراشهری، بیش از پیش توجه شود. چرا که اگر مناطق پیراشهری، به درستی مدیریت نشوند، شهر را نمی‌توان به عنوان یک نظام هوشمند، زنده، خیره و آگاهی بخش راهبری و سکانداری کرد و از سوی دیگر، شهروندانش قادر نخواهند بود به تولید و باز تولید محصولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بپردازند. با توجه به موارد فوق در حال حاضر، نواحی اطراف کلان‌شهرها و به خصوص شیراز چالش‌های عمده‌ای را در ابعاد محیطی، اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی به ویژه مکان‌یابی برای توسعه واحدهای مسکونی، کمربند سبز، دفع زباله، دسترسی به آب آشامیدنی سالم و فشار بر منابع طبیعی تجربه می‌کنند. در این راستا تحقیق حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی به ارزیابی چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه‌نیافتگی روستاهای پیراشهری شیراز می‌پردازد.

نظریات مختلفی در مورد شهر و حریم آن و مناطق پیراشهری و همچنین توسعه شهر به سمت حومه و پیرامون وجود دارد که بسیار شناخته شده و مورد بحث است و برای اختصار (بدون توضیح و تفصیل) مهم‌ترین این نظریات و محققین ارائه دهنده آن‌ها عبارتند از: نظریه شهرهای نامتمرکز کوین لینچ، نظریه ساختار شهری جهان سومی ارنست گریفین و لری فورد، نظریه مرکز پیرامون فریدمن، نظریه تحلیل توسعه‌نیافتگی مانوئل کستلز، نظریه توسعه پایدار شهری، نظریه توسعه روستا-شهر فریدمن، نظریه توسعه شهری و در آخر نظریه جکمروایی خوب شهری (امینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶). در این راستار مواجهه با رشد مشکل آفرین شهرها و روستاها، رویکردهای مختلف برنامه‌ریزی به دنبال راه‌حل‌های واقع بینانه توسعه شهری هستند که از مهم‌ترین رویکردهای آن، رویکرد توسعه پایدار در محلات و بافت‌های پیراشهری است. بحثی که به خاطر مسائل مدیریتی، مهاجرت و غیره رو به ناپایداری است. درحالی‌که برای دستیابی به پایداری جامعه، باید به سطوح پایین‌تر توجه شود. در سال‌های اخیر، توجه به مشکلات و

معضلات محله‌ها بافت‌های پیراشهری و برنامه‌ریزی برای بهبود فضای کالبدی و اجتماعی آنها در صدر برنامه‌ریزی‌های روستاها و شهرها قرار گرفته است. از قدیم الایام محلات شهری نقشی اساسی در توسعه شهر داشته و در بسیاری از موارد برخی از محلات شهری قدرت اداره یک شهر را در دست داشته است (هاشمی معصوم آبادی، ۱۳۹۶: ۷۸). توسعه پایدار واژه‌ی جدیدی است که برای چالش سازگاری شکل و ساخت جامعه انسانی معاصر در چهارچوب پیشرفت آینده (توسعه) از طریق حمایت محیطی تعریف شده است، دوام و پایداری هر روستا در گرو پویایی و دوام اقتصاد آن است (ریاحی و نوری، ۱۳۹۳: ۱۱۳). تنوع شالوده و اساس ثبات و پایداری است و هر اندازه سیستمی متنوع‌تر گردد، پایداری و پویایی آن در طول زمان و در مکان‌های مختلف نه تنها در مقابل تنش‌های درونی، در مقابل تنش‌های بیرونی نیز حفظ می‌گردد (ولایی و یگانه، ۱۳۹۳: ۵۴). یکی از مهم‌ترین استراتژی‌ها برای حل مشکلات بافت‌های سکونتی و استفاده بهینه از این فضاها این است که بتوان از همه ظرفیت‌های جامعه با تأکید بر توانمندی‌های آنها و نقش مستقیم و فعال آنها در فرآیند توسعه پایدار با همکاری بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی استفاده کرد تا تولید و ارائه خدمات عمومی را به حداکثر رساند؛ الگوی حکمروایی می‌تواند نظریه‌ای جدید در پاسخگویی به انتظارات و مسئولیت‌های جدید باشد و یک سند مدیریتی مناسب و در دسترس برای مسئولان است که به آنها این توان را می‌دهد تا به توسعه پایدار دست یابند (عظیمی آملی و جمعی، ۱۳۹۵: ۸۶).

در این میان با توجه به نقش و جایگاه روستاها در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس‌های مختلف از یک طرف و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی از قبیل نابرابری شدید، افزایش سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و غیره از سوی دیگر موجبات توجه هر چه بیشتر ضرورت برنامه‌ریزی توسعه روستایی را فراهم کرده است. در شرایطی که قرن بیستم به پایان رسیده است، هنوز توسعه روستایی در بیشتر کشورها از جمله کشور ما با مسائل و مشکلات متعددی مواجه است. زیرا که راهبردها، مدل‌ها و راهکارهای گذشته در زمینه توسعه روستایی موفقیت‌آمیز نبوده است و نتوانسته است مسائلی همچون فقر، اشتغال، بهداشت، امنیت غذایی، پایداری محیط زیست و غیره را تأمین کند (مهدوی، ۱۳۸۴: ۲). در این راستا یکی از راهبردهایی که اخیراً در اغلب کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته و حتی در برخی از کشورها به اجرا درآمده و نتایج مثبتی هم به همراه داشته است توسعه مدیریت روستایی است.

مدیریت روستایی در واقع فرایند سازماندهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست. این سازمان‌ها و نهادها وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی هستند. مدیریت روستایی فرایند چندجانبه‌ای است که شامل سه رکن، مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۹۲: ۲۱۱). در واقع، مشارکت مردم در اداره کردن امور روستا در کشور ایران دارای سابقه‌ی بسیار طولانی است، در واقع مدیریت روستایی ریشه در عرف و عادات و سنن اجتماعی دارد (صیدائی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). بعد از انقلاب اسلامی، نهادها و ارگان‌های مختلفی از جمله جهاد کشاورزی، وزارت کشور، سازمان بهزیستی، سازمان تعاون، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد امام خمینی (ره) در امور

روستا دخالت داشته‌اند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۰۹). اما مهم‌ترین نهادی که امروزه مسئول گسترش و جلب مشارکت‌های مردمی در نواحی روستایی کشور را بر عهده دارند، شوراهای اسلامی روستاها هستند، ساختار مدیریت جدید روستایی در کشور از دو بخش شورای اسلامی روستا به عنوان نهاد تصمیم‌گیر و دهیاری به عنوان نهاد اجرایی تشکیل شده است. این نهاد غیر دولتی، متولی عمران و توسعه روستایی در سطح نواحی روستایی است (دربان آستانه و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

چالش‌های حریم کلان‌شهرهای ایران

کلانتری و همکاران (۱۳۸۶) چالش‌های عمده توسعه پایدار روستایی در ایران را به پنج عامل چالش‌های اقتصادی، مدیریتی و برنامه‌ریزی، محیطی، اجتماعی و فیزیکی - کالبدی تقسیم کردند. در این راستا روستاهای حریم کلان‌شهرها درگیر مسائل متعدد با ماهیت و منشا گوناگون هستند؛ در این راستا در ادامه به بررسی مهم‌ترین این چالش‌ها پرداخته می‌شود:

چالش‌های زیست محیطی: در روستاهای واقع در حریم شهرها، به دلیل تراکم جمعیت، فعالیت و فقدان ضوابط و مقررات در بهره‌برداری از منابع، بهداشت محیط و مدیریت مواد زاید جامد و پسماندها، انتشار آلودگی در گستره محیط و از هم گسیختگی میان اجزای یکپارچه (آب، خاک، گیاهان، جانوران و فرایندهای طبیعی) از جمله دغدغه‌های اساسی به شمار می‌آید (Iaquinta, 2001: 3).

چالش‌های اجتماعی - فرهنگی: تغییر در ساخت اجتماعی - فرهنگی ساکنین روستاهای واقع در حریم شهرها و از هم گسیختگی نظم اجتماعی سنتی از جمله مهم‌ترین مسائل حاکم بر این روستاها است؛ تغییر در طرز نگرش‌ها، هنجارها، رفتارها و الگوهای تحرک اجتماعی، بیشتر تأثیرپذیر از تحولات و جاذبه‌های شهری بوده و کمتر سنخیتی با ساخت اجتماعی موجود دارد (فریحی، ۱۳۹۱: ۱۳۱؛ خراسانی، ۱۳۹۶: ۱۰).

چالش‌های اقتصادی: آنچه در ردیف پیامدهای منفی روابط اقتصادی شهر با روستاهای پیرامون قابل طرح و بحث است، تأثیرپذیری ساخت اقتصادی روستا از فرایندهای اقتصادی حاکم بر شهر است که در طی زمان منجر به رونق سوداگری زمین، تغییر الگوهای مصرف، افزایش قیمت زمین، کاهش مالکیت روستائیان و حقوق محیطی آنان نسبت به منابع (به ویژه زمین)، تغیر الگوی کشت و افزایش مصرف انرژی است (Iaquinta, 2001: 3). از دیگر عوامل و چالش‌های پیش‌روی مدیریت روستایی می‌توان به کمبود درآمد، عدم دسترسی به منابع مالی رسمی جهت رفع نیازها و نبود پروژه‌های اقتصادی در سطح روستاها اشاره نمود (فریحی، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

چالش‌های فضای - کالبدی: از منظر کالبدی، جریان‌ها و فرایندهای اجتماعی - اقتصادی حاکم بر فضای شهر منجر به تغییرات شگرف کالبدی در ساخت و بافت کالبدی روستاهای حریم شهرها شده است، این تأثیرات بیشتر یک سویه بوده و در مصادیقی چون تحولات بی‌رویه در الگوی معماری مسکن و ابنیه و بافت روستا، تغییرات شدید کاربری‌ها و بیشتر به سمت مسکونی، خدماتی و کارگاهی جلوه‌گر است (خراسانی، ۱۳۹۶: ۱۰).

چالش‌های سیاسی و مدیریتی و اداری: این روستاها به دلیل تراکم بالای جمعیتی و نبود کنترل اجتماعی - امنیتی نظام یافته، در صورت انباشت مسائل و حل نشدن آن‌ها منبعی بالقوه برای بحران‌های سیاسی - اجتماعی نیز خواهد بود.

همچنین نارسایی‌های مدیریتی، بدون تردید از جمله مهم‌ترین مشکلات این روستاها تلقی می‌شود: زیرا این روستاها با حضور دستگاه‌های متعدد متولی روستایی و حتی شهری و نبود مدیریت هماهنگ و یکپارچه به نوعی در شرایط بلا تکلیف به سر برده و همین امر بر نابسامانی و آشفتگی کالبدی این گونه روستاها افزوده است (فریحی، ۱۳۹۵: ۱۳۱؛ خراسانی، ۱۳۹۶: ۱۰). از مهمترین چالش‌های اداری پیش روی مدیران روستایی می‌توان به: نبود جایگاه قانونی مناسب برای میران روستایی، عدم پشتیبانی مالی و اداری، عدم توجه کافی به روستاها در برنامه‌ریزی‌های ملی، پایین بودن سطح تحصیلات روستائیان و غیره اشاره نمود (Ford, 1999: 300؛ فریحی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). در این راستا تحقیقات فراروانی در رابطه با چالش‌های مدیریت روستایی شکل گرفته است، لذا در جدول (۱) به برخی از مطالعات انجام شده در این زمینه اشاره شده است.

جدول ۱. برخی از مطالعات انجام شده در زمینه موضوع مورد بحث

محقق و سال	نتایج
طالبی و همکاران (۱۳۹۸)	در فرایند جریان‌های فضایی، جریان سرمایه از نقش آفرینی بیشتری نسبت به سایر جریان‌های فضایی برخوردار است. برآیند تمامی جریان‌های فضایی موجب تغییر در الگوی معماری مسکن، مقاوم سازی و بهبود کیفیت مسکن روستایی همراه با افزایش تعداد واحدهای تجاری، اداری و استقرار کارگاه‌های صنعتی و خدماتی کوچک است، همچنین تخریب اراضی زراعی، باغی و ایجاد باغ و ویلاهای متعدد چشم انداز طبیعی روستاهای دهستان تنکمان شمالی را دگرگون نموده است.
کاظمیان و همکاران (۱۳۹۷)	در پژوهشی تحت عنوان ارائه الگویی برای مدیریت مناطق پیراشهری کلان شهر تهران به بررسی باز کاوی و ارائه مدلی برای مدیریت یکپارچه شهری در منطقه ۲۲ پرداختند.
بدری (۱۳۹۶)	بیشترین مشکل دهیاران در بعد اجتماعی و کمترین مسایل و چالش آنان در شاخص کالبدی می‌باشد.
محمدی و پاشازاده (۱۳۹۵)	ضمن بررسی محلات حاشیه نشین شهر اردبیل از نظر شاخص‌های پایداری، به این نتیجه رسیدند که این محلات شهری، در وضعیت نامطلوب توسعه قرار دارند.
مرادی و آگهی (۱۳۹۳)	دهیاری‌های مورد مطالعه به ترتیب اهمیت با چالش‌هایی نظیر عدم آگاهی مردم و سازمان‌های محلی از وظایف دهیار، نگرش منفی نسبت به وی، عدم همکاری و حمایت سازمان‌های محلی و دولتی با دهیار، تدوین طرح‌های از بالا به پایین از سوی سازمان‌های اجرایی، ضعف روحیه همکاری و مشارکت خودجوش در مردم، ضعف جایگاه قانونی دهیار و بالاخره، کمبود تجهیزات و منابع مالی مواجه‌اند.
فریحی (۱۳۹۱)	عدم پشتیبانی مالی و اداری و عدم تمایل نخبگان به عضویت در شوراهای عامل مهمی در ضعف و ناکارآمدی مدیریت روستایی می‌باشند.
بدری (۱۳۹۰)	برای تحقق و عملیاتی کردن حق توسعه یافتگی و زندگی شرافتمندانه در چارچوب چشم‌انداز روستایی، لزوم توجه به سازوکارهای نهادی از جمله بازنگری در اندیشه‌ها، شیوه‌های برنامه‌ریزی، قوانین، رویه‌ها، سبک‌ها و شیوه مدیریت و حکمرانی و تاکید بر ایجاد و تقویت نهادهای بومی، محلی و مدنی از طریق خوشه‌ای و شبکه‌ای کردن آنها ضرورت دارد.
فعلی و همکاران (۱۳۸۹)	برنامه‌ریزی و مدیریت ضعیف دولتی، فقدان ساختاری مناسب برای مدیریت توسعه روستایی، عدم توجه به دانش بومی، عدم توجه به مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی، فقدان کشاورزی مکانیزه، عدم ارتقای بهره‌وری از منابع پایه‌ای تولید، ضعف در خدمات ترویج کشاورزی، ضعف در گردشگری روستایی، و عدم گسترش بخش‌های نوین اقتصادی مهمترین چالش‌های پیش‌روی توسعه پایدار روستایی می‌باشند.
ویگونچی و (۲۰۰۸)	پدیده گسترش شهری باعث نابودی گسترده منابع طبیعی از جمله آب و خاک و زندگی حیوانی و گیاهی و به دنبال آن تهدید سلامتی، بهره‌وری و تنوع زیستی در حومه شهرها می‌شود.

گیردریوس و همکارانش ^۱ (۲۰۱۳)	تخریب و تغییر کاربری اراضی جهت استفاده‌های غیر کشاورزی و لطمه زدن به محیط زیست از مهم‌ترین چالش‌های توسعه پایدار در این مناطق می‌باشد که این اقدام موجب لطمه زدن به نیازهای آیندگان و نسل بعدی خواهد شد.
لاوال ^۲ (۲۰۱۴)	دولت محلی در پاسخ به چالش‌های تامین زیرساخت‌های روستایی و بهبود آن ضعیف بوده است. همچنین در مناطقی که تا حدودی زیرساخت‌های روستا بهبود یافته با مشکلات زیست محیطی همراه بوده است که رابطه معناداری با توسعه محلی دارد.
لاندینی و همکاران ^۳ (۲۰۱۷)	فقدان وجود زمینه‌های مرتبط با کار گروهی نظیر (آموزش همگانی) باعث شده است که میزان اعتماد - همکاری و به اشتراک گذاشتن مشکلات در مدیریت روستا نادیده گرفته شود.

شواهد حاصل از بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در گذشته نشان می‌دهد که، تا کنون تحقیقات فراوانی در زمینه چالش‌های مدیریت روستایی و عدم توسعه پایدار روستایی انجام شده است، اما آنچه حائز اهمیت است: بررسی چالش‌های مدیریت روستایی و توسعه‌نیافتگی پایدار روستاهای پیراشهری است که در هیچ پژوهشی به طور مستقل به این موضوع پرداخته نشده است. در این راستا پژوهش حاضر در صدد است تا به بررسی چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آنها در عدم توسعه یافتگی روستاهای پیراشهری بپردازد.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کاربردی بوده و از روش توصیفی - تحلیلی جهت بررسی پارامترهای مورد بررسی سود جسته و همانند سایر تحقیقات دارای دو بخش عمده جهت انجام بوده است. بخشی از داده‌های آن از روش اسنادی، کتابخانه-ای و بخشی دیگر از داده‌های مورد نیاز، مانند چهارچوب نظری پژوهش از مطالعات میدانی و با ابزار پرسش‌نامه به دست آمده است. جامعه آماری در تحقیق حاضر شامل دو گروه است: گروه اول روستاهای پیرامون شهر شیراز؛ که بر اساس برآورد انجام شده، تعداد جامعه آماری شامل ۱۲ روستای پیرامون شهر برآورد گردید. جامعه آماری شامل سرپرستان خانوارهای روستایی انتخاب شده در اطراف شهر است، که بر اساس برآورد انجام شده و سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ روستاهای فوق (۱۲ روستای انتخاب شده در پیرامون شهر شیراز)، دارای ۴۲۰۹۳ هزار نفر جمعیت و ۱۲۲۴۶ خانوار بوده است (جدول ۲)، که بر اساس فرمول کوکران با سطح خطای ۰/۰۸ درصد، تعداد ۱۵۰ نفر از سرپرستان خانوارهای روستایی به عنوان جامعه نمونه انتخاب گردید. گروه دوم شامل ۳۰ نفر از دهیاران و شوراهای روستاها، اساتید، کارشناسان و متخصصان مرتبط با توسعه روستایی در ادارات و سازمان‌های استان فارس می‌باشند.

^۱ Giedrius & et al

^۲ Lawal

^۳ Landini & et al

جدول ۲. جامعه آماری و نمونه تحقیق در روستاهای مورد مطالعه

نام روستا	جمعیت	خانوار	تعداد نمونه	نام روستا	جمعیت	خانوار	تعداد نمونه
کرونی	۵۶۸۹	۱۶۱۵	۱۹	کیان آباد	۵۰۳۹	۱۳۸۹	۱۷
خاتونی	۱۱۷۹	۳۳۵	۵	محمودآباد	۱۵۲۴	۴۴۱	۶
سلطان آباد	۸۷۳۴	۲۵۲۴	۳۰	شاپورجان	۱۰۲۸۰	۲۹۲۰	۳۵
جرسقان	۲۰۰۳	۵۶۰	۷	اقبال آباد	۶۹۲	۱۹۵	۳
علی آباد قره‌باغ	۶۴۶	۲۷۷	۴	ماه فیروزان	۲۸۸۰	۹۷۶	۱۱
گچی	۲۵۴۵	۷۴۳	۹	علی آباد کفترک	۸۸۲	۲۷۱	۴
جمع					۴۲۰۹۳	۱۲۲۴۶	۱۵۰

منبع: مرکز آمار ایران ۱۳۹۵

در این راستا با توجه به هدف تحقیق که ارزیابی چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه‌نیافتگی روستاهای پیراشهری شیراز است، طیف گسترده‌ای از شاخص‌ها در ابعاد اقتصادی-مالی، اداری-سازمانی، اجتماعی-فرهنگی و عمرانی در قالب پرسشنامه سرپرستان خانوارها، کارشناسان و فرم‌های مشاهدات میدانی مورد بررسی قرار گرفته است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، جهت تجزیه و تحلیل آنها، از نرم افزارهای، FAHP، GRA، آزمون ضریب همبستگی کندال در نرم افزار SPSS و برای انجام تحلیل‌های فضایی از نرم افزار ArcGIS استفاده گردیده است. همچنین برای بررسی میزان پایایی گویه‌های تحقیق از آماره آلفای کرونباخ با دامنه‌ی صفر تا یک استفاده شده، که میزان آلفای کرونباخ ابعاد مورد مطالعه به شرح ذیل به دست آمده است (جدول ۳).

جدول ۳. معرفی شاخص‌های تحقیق

بعد	گویه
اجتماعی-فرهنگی	عدم ایجاد امنیت در روستا، عدم توجه به نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی، عدم تشویق مردم به همکاری در نگهداری و بهره‌برداری از تاسیسات، مشارکت اندک مردم با اعضای شورا و دهیاری، ضعف آموزش و تخصص لازم اعضای شورا و دهیار، مهاجرت افراد نخبه و باسواد به شهر، تمایل نداشتن نخبگان روستایی به عضویت در شوراهای دهیاری، عدم اعتماد مردم به شورا و دهیار، بی‌توجهی به نظرات و آداب و رسوم مردم در مدیریت روستایی، نبود کلاس‌های آموزشی برای اعضای شورا و دهیار، شرکت نکردن اعضای شورا و دهیار در کلاس‌های آموزشی، همکاری اندک اعضای شورای اسلامی و دهیاران، عدم برنامه‌ریزی از طرف شوراهای دهیاران برای ایجاد اشتغال و صنایع تولیدی، مهاجرت افراد غریبه به روستاهای پیرامون شهر، عدم اعتماد دوسویه بین مردم، مدیران روستا و دولت، نبود انگیزه در اعضای شوراهای دهیاران برای آبادانی روستا
اقتصادی و مالی	فقدان تنوع در فعالیت‌های غیر کشاورزی، فقدان زیرساخت‌های مناسب برای توسعه صنایع، فقدان سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری، تخصیص ناکافی اعتبارات و ضعف سرمایه‌گذاری، عدم درآمدزایی برای روستا، اختصاص ندادن بودجه کافی به روستاها، عدم پشتیبانی مالی و اداری، عدم بودجه ریزی و بودجه نویسی توسط اعضای شورا و دهیاری، استفاده نامناسب از منابع مالی، ضعف منابع مالی در دسترس شورا و دهیار، عدم ایجاد اشتغال و صنایع تولیدی، عدم تشویق روستائیان به توسعه صنایع دستی و بازاریابی محصولات، وصول درآمدهای محلی دهیاری (عوارض ساخت و ساز)

بعد	گویه
اداری- سازمانی	نبود نهادهای مردمی و تشکل‌های محلی مکمل با شوراها، نبود جایگاه قانونی مناسب برای اعضای شورا، نارسایی اختیارات قانونی شوراها، عدم تسهیل همکاری سازمان‌های دولتی (بنیاد مسکن، بخشداری، جهاد کشاورزی و ثبت احوال) با مدیریت روستا، عدم همکاری و تعامل سازنده دهیار و شوراها با یکدیگر بر سر اجرای مصوبات، عدم توجه به مدیریت روستا در تهیه و اجرای طرح‌ها، کمبود پرسنل متخصص امور روستایی در سطح بخشداری، فرمانداری، استانداری و ...، توجه و اولویت ندادن به مسائل و مدیریت روستایی (دهیاری‌ها) از سوی مدیران و تصمیم‌گیران استانی و کشوری، تقسیم و توزیع عادلانه اعتبارات بین دهیاری‌ها در سطح استان، شهرستان و بخش، ضعف در آگاهی و آموزش مدیران دولتی (بخشداری، تعاونی دهیاران و غیره) نسبت به جایگاه و وظایف دهیاری
عمرانی	عدم امداد رسانی به روستائیان در مواقع بحرانی، عدم نگهداری از تاسیسات عمومی، عدم حفظ سلامت و بهداشت محیط روستا، عدم توسعه و نگهداری از فضای سبز روستا، عدم اصلاح، توسعه و تعریض شبکه معابر روستا، فقدان دسترسی به امکانات گذران اوقات فراغت، عدم پیگیری تهیه و اجرای طرح هادی روستا، عدم تملک اراضی مورد نیاز برای توسعه فیزیکی روستا، عدم مکانیابی و توزیع بهینه انواع کاربری-ها (آموزشی، فرهنگی، ورزشی، بهداشتی) مطابق با طرح هادی، عدم رعایت ضوابط ساخت و ساز با عنایت به برنامه‌های مقاوم سازی

تحلیل رابطه خاکستری (GRA)

مفهوم فضای رابطه خاکستری توسط دننگ (۱۹۸۲) بر پایه ترکیب مفاهیم تئوری سیستمی، نظریه فضا و نظریه کنترل پیشنهاد شده است. یکی از مفاهیم ریاضی است که کاربرد گسترده‌ای در تصمیم‌گیری چند معیاره پیدا کرده است. این تئوری روشی بسیار موثر در مواجهه با مشکلات عدم اطمینان همراه با اطلاعات ناشناخته و ناکامل است (عنابستانی و جوانشیری، ۱۳۹۵: ۱۹۵). در ادامه مراحل انجام این مدل به شرح زیر ارائه گردیده است:

مرحله اول: بی‌مقیاس سازی ماتریس تصمیم

زمانی که واحدهای اندازه‌گیری عملکرد شاخص‌های مختلف متفاوت هستند، ممکن است تاثیر برخی از شاخص‌ها نادیده گرفته شود. همچنین زمانی که برخی شاخص‌های عملکرد از دامنه گسترده‌ای برخوردارند نیز ممکن است چنین اتفاقی روی دهد. همچنین اگر جهت این شاخص‌ها تفاوت داشته باشد، نتایج نادرست در تحلیل‌ها به وجود می‌آید. بنابراین، تبدیل کلیه ارزش‌های عملکردی هر گزینه به یک سری مقایسه‌ای در فرایندی مشابه نرمالیزه کردن ضروری به نظر می‌رسد. برای نرمال سازی مقادیر از یکی از سه فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$x_{ij} = \frac{y_{ij} - \min(y_{ij})}{\max(y_{ij}) - \min(y_{ij})}$$

$$x_{ij} = \frac{\max(y_{ij}) - y_{ij}}{\max(y_{ij}) - \min(y_{ij})}$$

$$x_{ij} = \frac{|y_{ij} - y^*|}{\max\{\max(y_{ij}) - y^*, y^* - \min(y_{ij})\}}$$

در فرمول اول هر چه بزرگتر بهتر؛ در فرمول دوم هر چه کوچکتر بهتر و در فرمول سوم هر چه به ارزش مطلوب y^* نزدیکتر بهتر.

مرحله دوم: تعریف سری‌های هدف مرجع

پس از ایجاد روابط خاکستری با استفاده از معادله بالا تمامی ارزش‌های عملکردی: مانند زمانی که از مفهوم نرمال کردن استفاده می‌شود، بین صفر و یک قرار خواهند گرفت. هر چه X_{ij} به یک نزدیک‌تر باشد، از مطلوبیت بیشتری

برخوردار خواهد بود. در نتیجه سری مقایسه‌ای که تمام گزینه‌های آن برابر ۱ باشد بهترین انتخاب خواهد بود. هر چه سری مقایسه‌ای گزینه ۱ به سری مرجع نزدیک‌تر باشد، در این صورت از مطلوبیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

مرحله سوم: ضریب رابطه خاکستری

با استفاده از ضریب رابطه خاکستری نزدیکی هر X_{ij} به X_{0j} متناظر سنجش می‌شود. هر چه ضریب رابطه خاکستری بزرگتر باشد، نزدیکی بیش‌تر است. ضریب رابطه خاکستری به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\gamma(X_{0j}, X_{ij}) = \frac{\Delta m_i + \zeta \Delta \max}{\Delta i_j + \zeta \Delta \max} \quad \dots, m \quad j = 1 \quad n$$

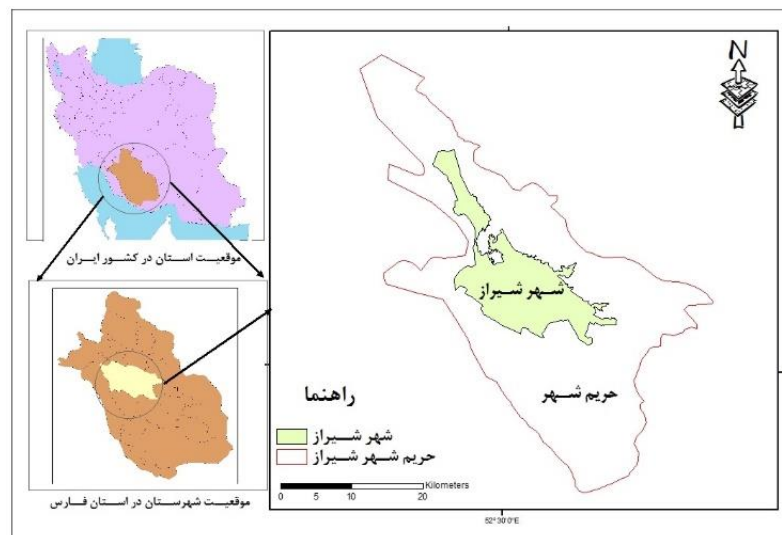
که در این رابطه ضریب تشخیص با مقدار ۰/۴ در نظر گرفته شده است.

مرحله چهارم: رتبه رابطه خاکستری

پس از محاسبه تمامی ضرایب رابطه خاکستری $\gamma(x_{ij}, x_{0j})$ رتبه رابطه خاکستری با فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\Gamma(x_{0j}, x_{ij}) = \sum w_j \gamma(x_{0j}, x_{ij})$$

شهرستان شیراز با مختصات جغرافیایی ۵۲ درجه ۳۳ دقیقه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی تقریباً در مرکز استان فارس قرار دارد. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های مرودشت و سپیدان، از مشرق به شهرستان‌های فسا و استهبان، از جنوب به شهرستان‌های جهرم و فیروزآباد و از مغرب به شهرستان کازرون محدود است. شهر شیراز، مرکز استان فارس به طول ۹۰ کیلومتر و عرضی متفاوت بین ۱۵ تا ۳۰ کیلومتر با مساحت ۱۲۹۹ کیلومتر مربع به شکل مستطیل و از لحاظ جغرافیایی در جنوب غربی ایران و در بخش مرکزی فارس قرار دارد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه در استان و شهرستان شیراز

یافته‌های تحقیق

بعد اجتماعی- فرهنگی

نتایج حاصل از جدول (۴)، گویای این است که از نظر پاسخگویان در بین شاخص‌های بعد اجتماعی- فرهنگی به ترتیب شاخص‌های عدم اعتماد دوسویه بین مردم، مدیران روستا و دولت با میانگین ۴/۰۹ و مهاجرت افراد غریبه به

روستاهای پیرامون شهر با میانگین ۴/۰۶ بیشترین میانگین وزنی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین شاخص‌های عدم تشویق مردم به همکاری در نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات با میانگین ۱/۹۸ و عدم اعتماد مردم به شورا و دهیار با میانگین ۲/۲۶ پایین‌ترین میانگین وزنی در میان شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی را از نظر پاسخگویان دارا می‌باشند. نکته قابل توجه در رابطه با شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی از نظر پاسخگویان مهاجرت افراد غریبه به شهر شیراز و ساکن شدن این افراد در روستاهای حومه شهر به صورت غیرقانونی است، که این خود باعث ایجاد هرج و مرج در روستا و کاهش امنیت در روستاهای حریم شهر شده است.

جدول ۴. میانگین و درصد شاخص‌های بعد اجتماعی- فرهنگی

انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	بعد اجتماعی، فرهنگی
۰/۹۸	۲/۲۶	۲	۷/۳	۳۱/۳	۳۴	۲۵/۳	عدم اعتماد مردم به شورا و دهیار
۰/۹۱	۱/۹۸	۱/۳	۲/۷	۲۴/۷	۳۶	۳۵/۳	عدم تشویق مردم به همکاری در نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات
۰/۸۲	۴/۰۶	۳۴	۴۰/۷	۲۲/۷	۲/۷	۰	مهاجرت افراد غریبه به روستاهای پیرامون شهر
۰/۷۴	۴/۰۹	۲۸	۵۸	۹/۳	۴/۷	۰	عدم اعتماد دوسویه بین مردم، مدیران روستا و دولت
۰/۸۵	۲/۹۷	۶/۷	۱۲	۵۶	۲۲/۷	۲/۷	ضعف آموزش و تخصص لازم اعضای شورا و دهیار
۰/۸۲	۳/۷۹	۱۹/۳	۴۶/۷	۲۸/۷	۴/۷	۰/۷	مهاجرت افراد نخبه و باسواد به شهر
۰/۹۶	۳/۷۰	۲۴	۳۳/۳	۳۳/۳	۸	۱/۳	تمایل نداشتن نخبگان روستایی به عضویت در شوراهای و دهیاری
۰/۷۶	۳/۳۵	۶	۳۳/۳	۵۲	۷/۳	۱/۳	عدم ایجاد امنیت در روستا
۰/۷۸	۳/۲۸	۴/۷	۳۱/۳	۵۵/۳	۵/۳	۳/۳	بی توجهی به نظرات و آداب و رسوم مردم در مدیریت روستایی
۰/۹۰	۲/۷۰	۲	۱۴	۴۷/۳	۲۶	۱۰/۷	نبود کلاس‌های آموزشی برای اعضای شورا و دهیار
۰/۹۲	۳/۷۲	۲۱/۳	۳۸	۳۴	۴/۷	۲	شرکت نکردن اعضای شورا و دهیار در کلاس‌های آموزشی
۰/۸۶	۲/۹۸	۱/۳	۲۵/۳	۵۱/۳	۱۴/۷	۷/۳	همکاری اندک اعضای شورای اسلامی و دهیاران
۰/۹۲	۲/۸۲	۳/۳	۱۶	۵۰	۲۱/۳	۹/۳	عدم برنامه‌ریزی از طرف شوراهای و دهیاران برای ایجاد اشتغال و صنایع تولیدی
۰/۸۶	۲/۹۴	۲	۲۴	۴۵/۳	۲۴	۴/۷	نبود انگیزه در اعضای شوراهای و دهیاران برای آبادانی روستا
۰/۸۴	۳/۱۶	۵/۳	۲۶/۷	۵۰	۱۵/۳	۲/۷	مشارکت اندک مردم با اعضای شورا و دهیاری
۰/۷۸	۳/۷۲	۱۲/۷	۵۳/۳	۳۰	۲	۲	عدم توجه به نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

بعد اقتصادی- مالی

نتایج حاصل از جدول (۵)، گویای این است که از نظر پاسخگویان در بین شاخص‌های بعد اقتصادی- مالی به ترتیب شاخص‌های: عدم ایجاد اشتغال و صنایع تولیدی با میانگین ۴/۱۶ و فقدان زیرساخت‌های مناسب برای توسعه صنایع با میانگین ۴/۰۱ بیشترین میانگین وزنی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین شاخص: فقدان تنوع در فعالیت‌های غیر کشاورزی و استفاده نامناسب از منابع مالی با میانگین ۱/۴۴ پایین‌ترین میانگین وزنی در میان شاخص‌های اقتصادی- مالی را از نظر پاسخگویان دارا می‌باشند. نکته قابل توجه در رابطه با شاخص‌های عدم ایجاد اشتغال و صنایع تولیدی در روستاهای پیراشهری از دیدگاه پاسخگویان، روستاهایی که فاصله کمتری با شهر دارند به مکان‌هایی برای استراحت و

خواب افراد جوان و مهاجر تبدیل شده‌اند به طوری که افراد در طول روز برای کار به شهر می‌روند و شب برای استراحت و خواب به روستا بر می‌گردند.

جدول ۵. میانگین و درصد شاخص‌های بعد اقتصادی - مالی

انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	بعد اقتصادی- مالی
۰/۷۷	۴/۰۱	۲۴	۵۸	۱۵/۳	۰/۷	۲	فقدان زیرساخت‌های مناسب برای توسعه صنایع
۰/۸۹	۳/۱۸	۰	۵۰/۷	۱۷/۳	۳۲	۰	فقدان سرمایه گذاری در صنعت گردشگری
۰/۹۶	۳/۱۴	۰/۷	۵۲/۷	۷/۳	۳۹/۳	۰	عدم درآمدزایی برای روستا
۰/۹۳	۲/۹۲	۰/۷	۳۷/۳	۱۶/۷	۴۴/۷	۰/۷	عدم پشتیبانی مالی و اداری
۰/۷۶	۳/۶۵	۹/۳	۵۴/۷	۲۸/۷	۶/۷	۰/۷	اختصاص ندادن بودجه کافی به روستاها
۰/۷۵	۳/۱۴	۱/۳	۲۸/۷	۵۶	۱۰/۷	۳/۳	عدم بودجه ریزی و بودجه نویسی توسط اعضای شورا و دهیاری
۷۰	۱/۴۴	۰/۷	۱/۳	۴/۷	۲۸/۷	۶۴/۷	فقدان تنوع در فعالیت‌های غیر کشاورزی
۰/۷۵	۱/۴۴	۱/۳	۲	۲	۲۹/۳	۶۵/۳	استفاده نامناسب از منابع مالی
۰/۹۴	۲/۶۶	۱/۳	۱۶	۴۴	۲۵/۳	۱۳/۳	ضعف منابع مالی در دسترس شورا و دهیار
۰/۷۱	۴/۱۶	۳۳/۳	۵۲	۱۲/۷	۲	۰	عدم ایجاد اشتغال و صنایع تولیدی
۱/۰۱	۳/۰۸	۰/۷	۵۰	۱۰/۷	۳۴/۷	۴	عدم تشویق روستائیان به توسعه صنایع دستی و بازاریابی محصولات
۰/۸۴	۲/۰۶	۰	۴/۷	۲۴/۷	۴۲/۷	۲۸	وصول درآمدهای محلی دهیاری (عوارض ساخت و ساز)
۰/۷۰	۳/۹۴	۱۸/۷	۶۰	۱۸	۳/۳	۰	تخصیص ناکافی اعتبارات و ضعف سرمایه گذاری

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

بعد اداری - سازمانی

نتایج حاصل از جدول (۶)، گویای این است که از نظر پاسخگویان در بین شاخص‌های بعد اداری - سازمانی به ترتیب شاخص‌های کمبود پرسنل متخصص امور روستایی در سطح بخش‌داری، فرمانداری، استانداری و ... با میانگین ۴/۲۰، عدم توجه به مدیریت روستا در تهیه و اجرای طرح‌ها با میانگین ۳/۸۷، توجه و اولویت ندادن به مسائل و مدیریت روستایی (دهیاری‌ها) از سوی مدیران و تصمیم‌گیران استانی و کشوری با میانگین ۳/۸۶ و نارسایی اختیارات قانونی شوراها با میانگین ۳/۸۵ بیشترین میانگین وزنی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین شاخص‌های ضعف در آگاهی و آموزش مدیران دولتی (بخش‌داری، تعاونی دهیاران و غیره) نسبت به جایگاه و وظایف دهیاری با میانگین ۱/۲۹، نبود جایگاه قانونی مناسب برای اعضای شورا با میانگین ۱/۴۷ و عدم همکاری و تعامل سازنده دهیار و شوراها با یکدیگر بر سر اجرای مصوبات با میانگین ۱/۵۸ پایین‌ترین میانگین وزنی در میان شاخص‌های اداری - سازمانی را از نظر پاسخگویان دارا می‌باشند. نکته قابل توجه در رابطه با شاخص‌های بعد اداری - سازمانی از پاسخگویان عدم نظر خواهی از دهیاران و شوراهای روستایی در زمینه تهیه و اجرای طرح‌های هادی و غیره در مناطق روستایی است، به طوری که طرح‌ها در ادارات و سازمان‌های مربوطه بدون نظر خواهی از روستائیان و مدیران روستایی تهیه و سپس در مناطق مورد نظر اجرا می‌گردد.

جدول ۶. میانگین و درصد شاخص‌های بعد اداری - سازمانی

اداری-سازمانی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
نیود نهادهای مردمی و تشکلهای محلی مکمل با شوراها	۰	۵/۳	۴۰/۷	۴۶/۷	۷/۳	۳/۵۶	۰/۷۰
توجه و اولویت ندادن به مسائل و مدیریت روستایی (دهیاری‌ها) از سوی مدیران و تصمیم‌گیران استانی و کشوری	۰	۰/۷	۳۱/۳	۴۹/۳	۱۸/۷	۳/۸۶	۰/۷۱
نارسایی اختیارات قانونی شوراها	۲	۲/۷	۱۶/۷	۶۵/۳	۱۳/۳	۳/۸۵	۰/۷۵
عدم تسهیل همکاری سازمان‌های دولتی (بنیاد مسکن و ...) با مدیریت روستا	۳/۳	۲۰	۶۴	۸	۴/۷	۲/۹۰	۰/۷۷
عدم توجه به مدیریت روستا در تهیه و اجرای طرح‌ها	۰	۲	۲۲	۶۲/۷	۱۳/۳	۳/۸۷	۰/۶۴
عدم تقسیم و توزیع عادلانه اختیارات بین دهیاری‌ها در سطح استان، شهرستان و بخش	۰	۹/۳	۶۴/۷	۲۴/۷	۱/۳	۳/۱۸	۰/۶۰
کمبود پرسنل متخصص امور روستایی در سطح بخشداری، فرمانداری، استانداری و ...	۰/۷	۲/۷	۱۰	۴۸/۷	۳۸	۴/۲۰	۰/۷۷
نیود جایگاه قانونی مناسب برای اعضای شورا	۶۲/۷	۲۷/۳	۱۰	۰	۰	۱/۴۷	۰/۶۷
عدم همکاری و تعامل سازنده دهیار و شوراها با یکدیگر بر سر اجرای مصوبات	۵۲/۷	۳۸	۷/۳	۲	۰	۱/۵۸	۰/۷۱
ضعف در آگاهی و آموزش مدیران دولتی (بخشداری، تعاونی دهیاران و غیره) نسبت به جایگاه و وظایف دهیاری	۷۳/۳	۲۴/۷	۱/۳	۰/۷	۰	۱/۲۹	۰/۵۲

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

بعد عمرانی

نتایج حاصل از جدول (۷)، گویای این است که از نظر پاسخگویان در بین شاخص‌های بعد عمرانی به ترتیب شاخص‌های عدم پیگیری تهیه و اجرای طرح هادی روستا با میانگین ۴/۱۹ و عدم توسعه و نگهداری از فضای سبز روستا با میانگین ۴/۰۲ بیشترین میانگین وزنی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین شاخص‌های عدم امداد رسانی به روستائیان در مواقع بحرانی با میانگین ۱/۶۷ و عدم نگهداری از تأسیسات عمومی با میانگین ۱/۷۶ پایین‌ترین میانگین وزنی در میان شاخص‌های عمرانی را از نظر پاسخگویان دارا می‌باشند. نکته قابل توجه در رابطه با شاخص‌های بعد عمرانی نیمه تمام ماندن طرح‌های هادی در مناطق روستایی به دلیل کمبود بودجه و امکانات است، به طوری که طرح تا چند سال به صورت نیمه تمام و ناقص در مناطق روستایی به دلیل کمبود بودجه باقی می‌ماند.

جدول ۷. میانگین و درصد شاخص‌های بعد عمرانی

انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	عمرانی
۰/۶۳	۱/۶۷	۰	۰	۹/۳	۴۸/۷	۴۲	عدم امداد رسانی به روستائیان در مواقع بحرانی
۱/۰۳	۳/۸۰	۲۹/۳	۳۵/۳	۲۴/۷	۸	۲/۷	عدم اصلاح، توسعه و تعریض شبکه معابر روستا
۰/۷۴	۳/۸۸	۱۷/۳	۵۷/۳	۲۲	۲/۷	۰/۷	عدم حفظ سلامت و بهداشت محیط روستا
۱/۰۴	۳/۲۲	۱۲/۷	۲۲/۷	۴۶	۱۱/۳	۷/۳	عدم مکانیابی و توزیع بهینه انواع کاربری‌ها (آموزشی، فرهنگی، ورزشی، بهداشتی) مطابق با طرح هادی
۰/۷۱	۱/۷۶	۰	۲	۱۰	۵۰	۳۸	عدم نگهداری از تاسیسات عمومی
۰/۶۷	۴/۱۹	۳۳/۳	۵۳/۳	۱۲/۷	۰/۷	۰	عدم پیگیری تهیه و اجرای طرح هادی روستا
۰/۶۱	۳/۶۴	۶/۷	۵۱/۳	۴۱/۳	۰/۷	۰	فقدان دسترسی به امکانات گذران اوقات فراغت
۰/۹۲	۳/۰۶	۳/۳	۲۹/۳	۴۴	۱۶/۷	۶/۷	عدم تملک اراضی مورد نیاز برای توسعه فیزیکی روستا
۰/۸۱	۴/۰۲	۳۰	۴۷/۳	۱۸	۴/۷	۰	عدم توسعه و نگهداری از فضای سبز روستا
۰/۹۵	۲/۷۸	۲/۷	۱۴/۷	۵۵/۳	۱۳/۳	۱۴	عدم رعایت ضوابط ساخت و ساز با عنایت به برنامه‌های مقاوم سازی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

ارزیابی وضعیت چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه‌نیافتگی روستاهای پیراشهری

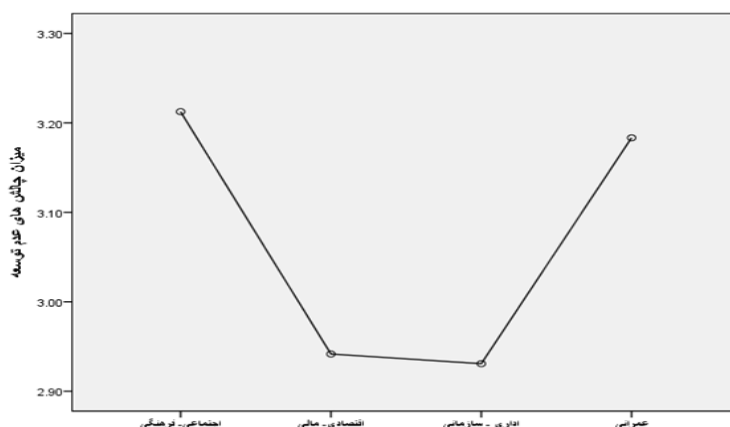
نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه، بر چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه‌نیافتگی روستاهای پیراشهری در مؤلفه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که میانگین واریانس بین گروه‌ها بیشتر از میانگین درون گروه‌ها می‌باشد و با سطح اطمینان ۹۹ درصد، اختلاف معناداری بین اثرگذاری چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن‌ها در توسعه‌نیافتگی روستاهای پیراشهری در مؤلفه‌های مختلف مورد بررسی وجود دارد (جدول ۸).

جدول ۸. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه بر اثرات چالش‌های مدیریت روستایی در مؤلفه‌های مختلف

سطح معناداری	میانگین مجذورات	جمع مجذورات	
۰/۰۰۰	۰/۲۷۶	۰/۸۲۷	بین گروه‌ها
	۰/۰۳۷	۱/۶۳۰	درون گروه‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

در این راستا، نتایج حاصل از این آزمون مؤید آن است که از بین ۴ مؤلفه مورد بررسی، مؤلفه اجتماعی-فرهنگی با اثرگذاری ۳/۲۱ و مؤلفه عمرانی با اثرگذاری ۳/۱۸، به ترتیب دارای بیشترین تأثیر و مؤلفه اداری-سازمانی با اثرگذاری ۲/۹۳، کمترین میزان اثرپذیری را در بین مؤلفه‌های مورد بررسی در چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آنها در توسعه‌نیافتگی روستاهای پیراشهری دارا می‌باشند (شکل ۲).



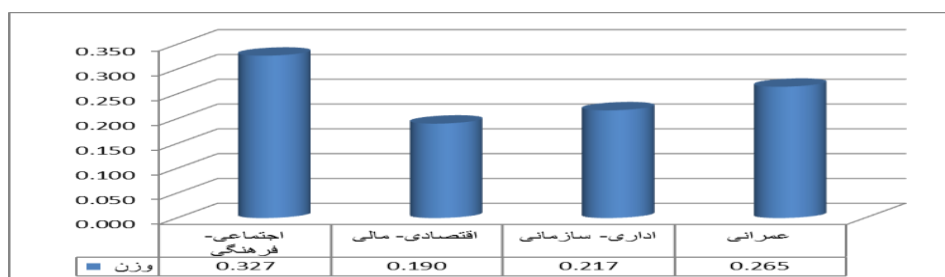
شکل ۲. مقایسه شدت اثرگذاری مؤلفه های مورد بررسی در روستاهای مورد مطالعه (منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

نتایج حاصل از مقایسه زوجی ابعاد مورد بررسی در رابطه با چالش های مدیریت روستایی در روستاهای پیراشهری مورد مطالعه شهر شیراز (جدول ۹)، با استفاده از مدل F AHP نشان می دهد که؛ چالش های بعد اجتماعی- فرهنگی با وزن ۰/۳۲۷ و عمرانی با وزن ۰/۲۶۵ دارای بیشترین تاثیر و چالش های بعد اقتصادی- مالی با وزن ۰/۱۹۰ دارای کمترین تاثیر در توسعه نیافتگی سکونتگاه های روستایی با تأکید بر مدیریت روستایی در محدوده مورد مطالعه می باشند.

جدول ۹. وزن نهایی مقایسه چالش های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه نیافتگی روستاهای پیراشهری

عمرانی	اداری- سازمانی	اقتصادی- مالی	اجتماعی- فرهنگی
۰/۲۶۵	۰/۲۱۷	۰/۱۹۰	۰/۳۲۷

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹.



شکل ۳. مقایسه ابعاد به کار رفته در رابطه با چالش های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه نیافتگی روستاهای پیراشهری

در راستای، آزمون فرضیه دوم تحقیق و بررسی و تحلیل میزان اثرپذیری توسعه نیافتگی روستاهای مورد مطالعه بر اساس چالش های مدیریت روستایی به تفکیک میزان فاصله از شهر در ابعاد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی- مالی، اداری- سازمانی و عمرانی از آزمون ضریب همبستگی کندال (Kendall's) استفاده شد، که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون فوق در جدول شماره (۱۰) آمده است. نتیجه نهایی آزمون ضریب همبستگی جهت ارزیابی میزان چالش های مدیریت روستایی بر توسعه نیافتگی روستاهای پیرامون آن مبین این واقعیت است، که بین چالش های مدیریت روستایی و طبقات فاصله روستاها از شهر شیراز با توجه به مقدار ضریب همبستگی کندال (۰/۷۱۱-) و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد، رابطه منفی معناداری وجود دارد. بدین معنی که، با افزایش فاصله از شهر، میزان چالش های مدیریت

روستایی تأثیر کمتری بر عدم توسعه روستاهای پیرامون شهر داشته است. با توجه به ضریب به دست آمده برای ابعاد پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که میزان چالش‌های مدیریت روستایی به نسبت فاصله از روستاهای پیرامون از شهر اثرات متفاوتی را در برداشته است، لذا می‌توان گفت فرض H_0 ما رد می‌گردد و فرضیه تحقیق اثبات می‌گردد.

جدول ۱۰. نتیجه نهایی آزمون ضریب همبستگی کندال میزان تأثیرگذاری چالش‌های مدیریت روستایی بر توسعه‌نیافتگی روستاهای پیرامون شهر شیراز

Kendall's tau-b		میزان چالش‌های مدیریت روستایی بر عدم توسعه روستاها	طبقات فاصله روستاها از شهر شیراز
میزان چالش‌های مدیریت روستایی بر عدم توسعه روستاها	Correlation Coefficient	۱/۰۰۰	-۰/۷۱۱
	Sig. (2-tailed)	۰	۰/۰۰۴
	N	۱۲	۱۲
طبقات فاصله روستاها از شهر شیراز	Correlation Coefficient	-۰/۷۱۱	۱/۰۰۰
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۴	۰
	N	۱۲	۱۲

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

رتبه‌بندی روستاهای مورد مطالعه بر اساس سطح چالش‌های مدیریت روستایی در توسعه‌نیافتگی

در این قسمت به منظور رتبه‌بندی روستاهای مورد مطالعه، از تحلیل رابطه خاکستری استفاده شده است؛ بر این اساس، بعد از ایجاد رابطه خاکستری، ارزش‌های عملکردی بین صفر و یک درجه‌بندی شدند. در مرحله بعد، ضریب رابطه خاکستری محاسبه شد. در نهایت پس از تعیین ضریب خاکستری، رتبه خاکستری محاسبه شد. نتایج نهایی حاصل از رتبه‌بندی خاکستری در (جدول ۱۱) ارائه شده است. نتایج تحلیل رابطه خاکستری نشان داد که چالش‌های مدیریت روستایی در عدم توسعه یافتگی روستاهای پیراشهری در روستاهای کرونی، خاتونی، ماه فیروزان و کیان‌آباد به ترتیب با وزن‌های نهایی ۰/۷۷۱، ۰/۷۵۳، ۰/۷۰۹ و ۰/۶۲۱ بالاتر از حد ایده آل مثبت و در روستاهای علی‌آباد کفترک، گچی، جرسقان و علی‌آباد قره باغ به ترتیب با وزن‌های ۰/۲۸۶، ۰/۳۰۸، ۰/۳۶۹ و ۰/۳۷۹ پایین‌تر از حد ایده آل است.

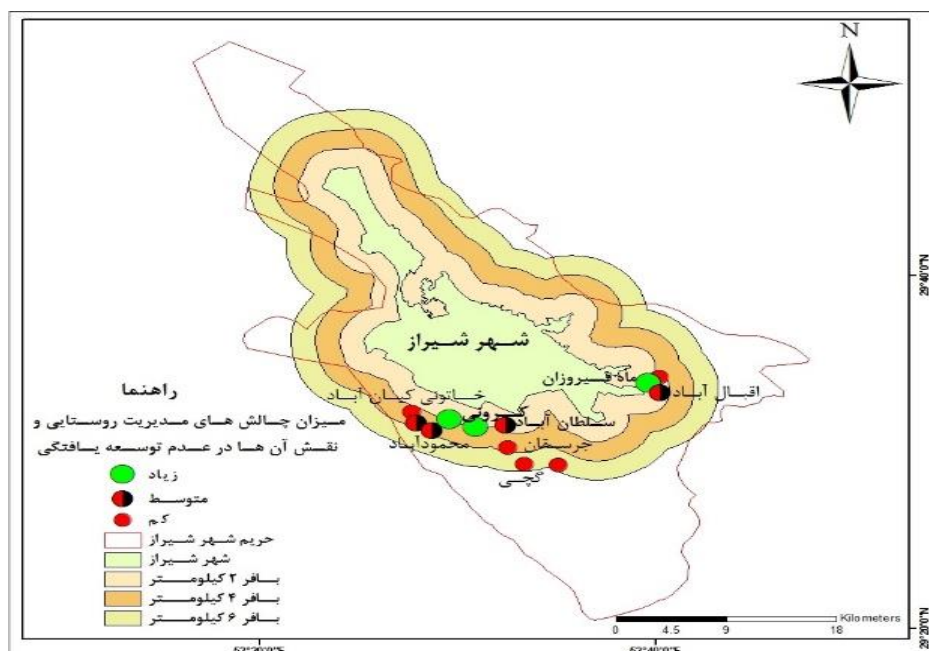
جدول ۱۱. رتبه‌بندی روستاهای مورد مطالعه بر اساس سطح چالش‌های مدیریت روستایی با تأکید بر توسعه‌نیافتگی

رتبه	وزن	نام روستا	رتبه	وزن	نام روستا	رتبه	وزن	نام روستا
۱۰	۰/۳۶۹	علی‌آباد قره‌باغ	۸	۰/۴۲۵	کیان‌آباد	۱	۰/۷۷۱	کرونی
۱۱	۰/۳۰۸	گچی	۵	۰/۵۶۰	محمودآباد	۲	۰/۷۵۳	خاتونی
۳	۰/۷۰۹	ماه فیروزان	۶	۰/۵۴۸	شاپورجان	۴	۰/۶۲۱	سلطان‌آباد
۱۲	۰/۲۸۶	علی‌آباد کفترک	۷	۰/۵۱۰	اقبال‌آباد	۹	۰/۳۷۹	جرسقان

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

تحلیل فضایی رتبه نهایی روستاها بر اساس چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه‌نیافتگی روستاهای پیراشهری در شکل (۴) به ترسیم درآمده است. مشخص است که سطح چالش‌های مدیریت روستایی با تأکید بر

توسعه نیافتگی روستاهای مورد مطالعه در روستاهای کرونی، خاتونی، ماه فیروزان و سلطان آباد دارای بیشترین تأثیر و در روستای محمودآباد، شاپورجان و اقبال آباد دارای تأثیر متوسط و در سایر روستاها از تأثیر ضعیفی برخوردار است.



شکل ۴. میزان چالش‌های مدیریت روستایی با تأکید بر توسعه نیافتگی روستاهای پیرامون شهر شیراز

نتیجه‌گیری

در حال حاضر روستاهای حریم شهرها به دلیل نزدیکی مکانی و وابستگی فضایی-کالبدی به شهرها از امکانات، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی برخوردار هستند که در دیگر روستاها به چنین شدتی وجود ندارد. در واقع روستاهای اطراف شهرها و به خصوص شهر شیراز با چالش‌های عمده‌ای در ابعاد محیطی، اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی به ویژه مکان‌یابی برای توسعه واحدهای مسکونی، کمربند سبز، دفع زباله، دسترسی به آب آشامیدنی سالم و فشار بر منابع طبیعی رو به رو می‌باشند. در این راستا هدف ما در پژوهش حاضر ارزیابی چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه نیافتگی روستاهای پیراشهری شیراز است، که برای تحقق این هدف، اطلاعات حاصل از مشاهدات میدانی و نظرات روستائیان و کارشناسان در خصوص چالش‌های مدیریت روستایی در ابعاد مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ارزیابی میزان چالش‌های مدیریت روستایی در روستاهای مورد مطالعه موید آن است که، شاخص‌های: کمبود پرسنل متخصص امور روستایی در سطح بخش‌داری، فرمانداری، استانداری و غیره، عدم پیگیری تهیه و اجرای طرح هادی روستا، عدم ایجاد اشتغال و صنایع تولیدی، عدم اعتماد دوسویه بین مردم، مدیران روستا و دولت، مهاجرت افراد غریبه به روستاهای پیرامون شهر، عدم توسعه و نگهداری از فضای سبز روستا، فقدان زیرساخت‌های مناسب برای توسعه صنایع و عدم توجه به مدیریت روستا در تهیه و اجرای طرح‌ها مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی مدیریت روستایی برای توسعه در روستاهای پیرامون شهر شیراز می‌باشند. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های مرادی و آگهی (۱۳۹۳) و فریچی (۱۳۹۱) در زمینه‌های کمبود پرسنل متخصص امور روستایی در سطح بخش‌داری،

فرمانداری، استانداری و غیره، عدم اعتماد دوسویه بین مردم، مدیران روستا و دولت، مهاجرت افراد غریبه به روستاهای پیرامون شهر، عدم توسعه و نگهداری از فضای سبز روستا، فقدان زیرساخت‌های مناسب برای توسعه صنایع و عدم توجه به مدیریت روستا در تهیه و اجرای طرح‌ها همسو است.

نتایج تحقیق نشان داد که با سطح اطمینان ۹۹ درصد، اختلاف معناداری بین اثرگذاری چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن‌ها در توسعه‌نیافتگی روستاهای پیراشهری در مؤلفه‌های مختلف مورد بررسی وجود دارد، همچنین چالش‌های (اجتماعی- فرهنگی ۳/۲۱ و عمرانی، ۳/۱۸) به عنوان مهمترین چالش‌های پیش‌روی مدیریت روستایی در عدم توسعه یافتگی روستاهای پیراشهری می‌باشد. نتایج پژوهش با نتایج پژوهش فریحی (۱۳۹۱) و بدری (۱۳۹۶) در زمینه چالش‌های اجتماعی- فرهنگی در زمینه چالش‌های پیش‌روی مدیریت روستایی در توسعه‌نیافتگی روستاها همسو است.

نتیجه آزمون ضریب همبستگی کندال نیز بیانگر آن است که، بین چالش‌های مدیریت روستایی و طبقات فاصله روستاها از شهر شیراز با توجه به مقدار ضریب همبستگی کندال (-۰/۷۱۱) و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد، رابطه منفی معناداری وجود دارد. بدین معنی که، با افزایش فاصله از شهر، میزان چالش‌های مدیریت روستایی تاثیر کمتری بر عدم توسعه روستاهای پیرامون شهر داشته است. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رابطه خاکستری در رابطه چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه‌نیافتگی روستاهای پیراشهری موید آن است که، از میان ۱۲ روستای مورد مطالعه؛ روستاهای کرونی، خاتونی، ماه فیروزان و کیان آباد با بیشترین چالش‌های مدیریت روستایی مواجه می‌باشند. در این راستا با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

- برقراری رابطه‌ای منطقی و نظامند میان همه‌ی متولیان توسعه روستایی در روستاهای مورد مطالعه؛
- طراحی سازوکاری مناسب برای راهیابی مدیران روستاها (شورا و دهیار) به مشارکت فعال در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با روستاها؛
- جلب نظرات مردمی در اجرای کلیه‌ی طرح‌های روستایی همانند طرح‌های هادی و ساماندهی روستایی؛
- گسترش اختیارات شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها در زمینه مدیریت و کنترل روستاها به طوری که در مدیریت اجتماعی محلی کارآمد و مؤثر واقع شوند؛
- تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه مربوط به روستاها به صورت مجزا و جداگانه از شهر شیراز؛ و
- بالابردن اعتماد مردم به مدیران روستا و دولت از طریق مشارکت دادن افراد روستا در برنامه‌ها.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا . ۱۳۸۳. توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
- امینی، مهدی، زیاری، یوسفعلی و فرجی، عبدالرضا . ۱۳۹۶. بررسی و تطبیق راهبردهای مدیریت پایدار حریم کلانشهرها؛ تهران و کلانشهرهای جهانی، فصلنامه جغرافیای سرزمین، سال ۱۴، شماره ۵۴، ۱۰۰-۸۳.
- بدری، جواد . ۱۳۹۶. واکاوی چالش‌های مدیران محلی (دهیاران) در توسعه مناطق روستایی: مورد مطالعه بخش کاکلی- شهرستان دشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما مهدی پور طاهری.
- بدری، سیدعلی . ۱۳۹۰. چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست‌های راهبردی، فصلنامه ره‌نامه سیاست-گذاری، سال ۲، شماره ۳، ۱۷۹-۱۴۷.

- خراسانی، محمدامین. ۱۳۹۶. آسیب‌شناسی مدیریت روستاهای حریم کلان‌شهرها، معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی مدیریت، امور اجتماعی و اقتصادی مدیریت مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی امور مناطق، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۴۰-۱.
- دربان آستانه، علیرضا، رضوانی، محمدرضا، مطیعی لنگرودی، سید حسن و بدری، سید علی. ۱۳۸۹. سنجش و تحلیل عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی (مطالعه موردی: شهرستان قزوین)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، ۱۱۸-۹۹.
- رضوانی، محمد رضا. ۱۳۹۲. مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، انتشارات قومس.
- ریاحی، وحید و نوری، آذر. ۱۳۹۳. تنوع بخشی فعالیت‌های اقتصادی و پایداری روستاها مورد: شهرستان خرم‌دره، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۳ (۱۰)، ۱۲۸-۱۱۳.
- صیدایی، اسکندر. ۱۳۹۰. برنامه‌ریزی روستایی در ایران، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- طالشی، مصطفی، عزیزپور، فرهاد و دولتی، غلام. ۱۳۹۸. تحلیل اثر جریان‌ات فضایی در تحولات کالبدی-فضایی روستاهای پیراشهری (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلانشهر کرج، دهستان تنکمان شمالی)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۳۸ (۱۶۶)، ۹۴۰-۷۹.
- عظیمی آملی، جلال و جمع‌دار، اکبر. ۱۳۹۵. بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر الگوی حکمروایی خوب (نمونه موردی: محله ده ونک، منطقه ۳ تهران)، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال هفتم، شماره ۱، ۹۹-۸۵.
- فریخی، فرزانه. ۱۳۹۱. چالش‌های مدیریت روستایی و نقش آن در عدم توسعه یافتگی روستاها (مطالعه موردی: دهستان لیشتر)، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زنجان، استاد راهنما بهروز محمدی یگانه.
- فعلی، سعید، صدیقی، حسن، پزشکی راد، غلامرضا و میرزایی، آرزو. ۱۳۸۹. چالش‌های جوامع روستایی برای دستیابی به توسعه پایدار، فصلنامه روستا و توسعه، دوره ۱۳، شماره ۴، ۱۲۸-۹۷.
- فیروزنیا، قدیر، موسی کاظمی، سیدمهدی و صادقی طاهری، اعظم. ۱۳۹۰. تحلیل تأثیر فاصله در میزان ادغام روستاهای الحاقی به شهر (مطالعه موردی: روستاهای الحاقی در شهر کاشان)، مجله پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره ۴، ۱۵۱-۱۲۳.
- قربانی، جواد و رحمانی، بیژن. ۱۳۹۱. تأثیر گسترش فیزیکی شهر سلطانیه بر روستاهای پیرامونی، اولین همایش گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پاک، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- کاظمیان، غلامرضا، ضیاعی، محمود، امیری، مقصود و مرادی، حسین. ۱۳۹۷. ارائه الگویی برای مدیریت مناطق پیراشهری کلان شهر تهران، مطالعه مورد منطقه ۲۲ تهران، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال ۸، شماره ۲، ۳۶۱-۳۷۸.
- کلانتری، خلیل، اسدی، علی، شعبانعلی فمی، حسین و چوپچیان، شهلا. ۱۳۸۶. چالش‌های عمده توسعه روستایی در ایران برای دستیابی به توسعه پایدار، مجله جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد، شماره ۸، ۱۲۰-۱۰۳.
- کیانی، مریم و درویشی، یوسف. ۱۳۹۸. تحلیل پایداری اقتصادی - اجتماعی نواحی روستایی پیراشهری مورد: شهرستان گمیشان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۸، شماره ۳، ۲۵۰-۲۲۷.

- محمدی، علیرضا و پاشازاده، اصغر. ۱۳۹۵. سنجش سطح پایداری محلات شهر اردبیل با تأکید بر محلات با هسته-های روستایی، مجله مطالعات شهری، شماره ۱۱، ۶۲-۹.
- مرادی، خدیجه و آگهی، حسین. ۱۳۹۳. واکاوی چالش‌های مدیریت روستایی با رویکرد کیفی تئوری بنیانی، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۳۴، ۱۸۱-۱۶۷.
- موسوی، سید عارف و بدری، سید علی. ۱۳۹۱. مدیریت نوین روستایی، در جستجوی راهکاری مناسب برای توسعه دهیاری‌ها، موسسه فرهنگی اشتیاق نور.
- مهدوی، مسعود و نجفی کانی، علی اکبر. ۱۳۸۵. دهیاری تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳.
- ولایی، محمد و محمدی یگانه، بهروز. ۱۳۹۳. تنوع بخشی به اقتصاد روستاها جهت تحقق توسعه پایدار، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۳ (۸)، ۷۰-۵۴.
- هاشمی معصوم آباد، رضا. ۱۳۹۶. تحلیلی بر وضعیت کالبدی-فضایی کانون‌های محله‌ای و آرایه راهکارهای مناسب (پژوهش موردی: محدوده محله پیرمادر، شهر اردبیل)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.
- Ford. Tania. 1999. **Understanding Population Growth in the Peri-Urban Region**, International Journal Of Population Geography Int. J. Popul. Geogr. 5, 297- 311.
- Giedrius, Pašakarnis, David Morley & Vida Malienė. 2013. **Rural development and challenges establishing sustainable land use in Eastern European countries**, Land Use Policy, V 30, I 1, 703- 710.
- Vegonchi voo. 2008.: **Peri-urbanisation in Europe Towards European Policies to Sustain Urban-Rural Futures**, A Synthesis Report, University of Copenhagen, Academic Books Life Sciences, Copenhagen, ISBN: 978 - 87-7903-534-8 .
- Kaya. S, Curran, P.J. 2006. : **Monitoring urban growth on the European side of the Istanbul metropolitan area**, international journal of applied earth observation and geoinformation 8, 18-25.
- Iaquinta, D and Drescher, A .2001. **more than the spatial fringe: an application of the peri-urban typology to planning and managing the Environmen of natural resources**. Paper presented to the conference: Rural- Urban Ecounters: Managing the Environmen of the peri-urban Interface. Development Planning Unit; University College London.
- Landini, F, Gilda, V, Vanina, B, María In_és Mathot y Rebole & Manuela, M .2017. **Contributions to group work and to the management of collective processes in extension and rural development**, Journal of Rural Studies, V 56, 143- 155.
- Lawal, T .2014. **Local Government and Rural Infrastructural Delivery in Nigeria**, International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, V 4, N 4, 139-147.
- Veenhuizen, Rene .2002. **the rural-urban interface**, ETR-RUAF, Netherlands.